

# شاه امان الله، گوش به فرمان هیتلر و عاشقِ نایت کلب بود

مستنداتی اجمالی در ردِ تئوری ارتجاعی دکتر غنی - رزاق مأمون

عکس سمت چپ: نگاره ای از حاجی امان الله ( سمت چپ) در لباس عربی با ریش انبوه در ایام زیارت مقدس در مکه- سال 1931 میلادی



گزارشنامه افغانستان : تاریخ رقم خورده در افغانستان، تنها از شاه امان الله کابل نشین و تهداب گذار «تجدد طلبی آمرانه» شناسه داده است. کارنامه سی ساله شاه امان الله در ویلاهای روم و زوریخ، عامدانه یا از روی بی خبری، در پسخانه سکوت، داغمه شده است.

شاه امان الله در الیوم تاریخی افغانستان، سیمای باشرف، برازنده و جاودان است. اما پیوند دهی صفت تفضیلی «قهرمان ملی» در پسوند نام ایشان، صرفاً برای یک دغلكار سیاسی مانند دکتر غنی مجاز و مطلوب می نماید؛ ورنه، تاریخ به یاد ندارد که قهرمان ملی یک سرزمین، سی سال تمام، تا دم مرگ در پیچ و خم های عسرت و عزلت، درب درگاه حکمروایان فاشیست و دکتاتورهای جهانی را برای رسیدن دو باره به تاج و تخت، هردم بگوید و هرگز خسته هم نشود.

اشرف غنی نقاب کمپاین به صورت، پسوند عرفی «بابا» را گذاشته، لقب کمپاینی «قهرمان ملی» را قایم گرفته است. ازین رو لازم می دانم فشرده بی از مستنداتی از احوال امان الله دوم ( روم نشین) را در ترازوی وجدان عمومی قرار دهم.

یکی از «کارهای ناتمام امان الله» این است که در جنگ جنوبی و شینوار، مصرانه سعی کرد از استالین سلاح شیمیایی دریافت کند تا نسل شورشیان و سر حلقه های اجداد دکتر غنی را در جنوب و شرق از صفحه هستی بردارد؛ اما جوزف استالین به درخواست شاه لبیک نگفت.

به منبع زیر مراجعه کنید:

نبرد افغانی استالین (سیاست قدرت های بزرگ در افغانستان و قبایل پشتون)، گزارنده: عزیز آریانفر، نشر برقی، برگ های 19-120

امان الله یک روز قبل از فرار مخفیانه از کابل، به درباریان گفت: من زنده نباشم که کابل سقوط کند.

اما او شعار معکوس داده بود. از همان آغاز برای خروج سری از کابل آماده گی می گرفت. ایشان که ده سال تمام در رفع و کشف حجاب زنان مبارزه کرده و بدون مماشات و میانه روی، خودش را در گرداب سقوط سرازیر کرد؛ در آخرین روز خروج از کابل، چادری زنانه پوشید و ظاهراً همراه با چند محجبه دیگر از خاندان شاهی به سواری موتر رولز رایس از پاسگاه های بازرسی دولتی و نفرات امیرحبيب الله کلکانی به سلامت عبور کرد. برای بسیاری از مردم خیلی دشوار است که این گزارش را باور کنند.

به نشانی زیر سری بزنید:

**THE BROOKLYN DAILY EAGLE, NEW YORK, TUESDAY, MARCH 19, 1929**

به استناد نامه نبی خان چرخى منتشره دلیلی اکسپرس لندن

شاه، زمانی به روم رسید که موسولینی فاشیست هیجان گرا برسر قدرت بود. ویکتورامانویل پادشاه ایتالیا شاه و اهل بیت او را گرامی می داشت. سر از اپریل 1930 پرداخت ماهیانه مبلغ ده هزار لیره به امان الله خان آغاز گردید. مگر، شکایات شاه امان الله خان برای دستیابی به مدد معاش بیشتر ادامه یافت و پیوسته با مقامات وزارت خارجه در تماس می شد و برای پرداخت وام هایش مرتب به شاه ویکتورامانویل سوم مراجعه می کرد.

به منبع زیر مراجعه کنید:

**Laureando, Roberta Bin, Relatore, Prof. Antonio Trampus, Matricola 987026,  
Correlatore: Prof. Duccio Basosi, Anno Accademico, 2013 / 2014, Page: 93**

شاه در کمتر از یک سال، در روم در منطقه (پراتی کوارتر) شهر روم نزدیک کلیسای سنت پیترز یک کاخ ویلایی خریداری کرد که دارای ۲۴ اتاق و مجهز با تمام وسایل پیشرفته به شمول تشناب های شیک، سالن و اتاق آفتابگیر بود.

به منبع زیر مراجعه کنید:

**Daily News, Friday, November 8, 1929**

زنده گی شاه شرقی در نگاه جستجوگر روزنامه نگاران روم سوژه جالب بود. سه سال بعد فاش شد که امان الله در شهر روم یک رهنمای معاملات باز کرده است. او صاحب دو خانه است؛ یکی را خریده و دومی را اعمار کرده است و از درک فروش آن امرار معیشت می کند. او سه سال پیش با خودش مبلغ ده میلیون پوند سرمایه آورده بود.

به منبع زیر مراجعه کنید:

**The Brooklyn Daily Eagle Sun, Oct 16, 1932**

امان الله نذخیر نقدی ارگ کابل را در قندهار مصرف کرد. در جنگ دونیم ماهه و مارش مجدد برای فتح کابل، از خزانه نقدی چیزی برایش نمانده بود. وقتی به روم رسید، فروکاست سطح مخارج روزمره یک خانواده شاهی که هیچ گاه شرایط زنده گی در حد متوسط را تجربه نکرده بود، امری محال می نمود. به این ترتیب، به فروش مجموعه جواهرات سلطنتی که از ارگ کابل با خود آورده بود، شروع کرد.

همزمان دست استمداد به حکومت نادرخان دراز کرد تا عواید جایداد های شخصی وی و شهبانو ثریا را برایش ارسال کند. سردار هاشم خان به تقاضای امان الله پاسخ رد داد. او به امان الله توصیه کرد که برای رفع کسری مالی خویش زیورات و جواهرات گوناگون به ارزش یک میلیون پوند را که از کابل با خود برده است، به فروش برساند.

به منبع زیر مراجعه کنید:

**The Morning Call, Sunday, 20 April, 1930**

امان الله قبل از سرنگونی اش حین دیدار از اروپا 5 میلیون سکه طلای شاهی برابر با 25 میلیون دالر را در بانک های اروپایی واریز کرده بود.

به منبع زیر مراجعه کنید:

**Star Tribune, Wed, July 1931**

یک سال پیش ازین وقایع، سفارت افغانستان در لندن از سوی شجاع الدوله غوربندی، از مجریان ارشد «نهضت امانی» غارت شد و خودش به برلین گریخت. خزانه شامل مقدار زیاد لاجورد به ارزش هزاران پوند (که گفته می شود ملکیت امان الله شاه مخلوع بوده) و اسناد و مدارک مهم سفارت بود. وی قبل از ترک آن جا چهل هزار پوند را از سفارت خارج کرده و علاوه بر لندن مبلغ هزار پوند قرضه خود را پرداخت نکرده بود و تحت پیگرد پلیس انگلیس قرار گرفت. به منبع زیر مراجعه کنید:

**The Vancouver Sun, November 9, 1929**

گوش های شاه تنها، دیگر از ظنین واژه های «غازی» و «اعلیحضرت معظم» و... تهی شده و به روزمره گی افتاده بود. باری یک نجار برای کاری که انجام داده بود از امان الله سی لیره مطالبه کرد. اما شاه حاضر بود فقط نیم پول درخواستی نجار را بپردازد. جنجال پیش آمد. امان الله وکیل و ترجمانش را نزد خود طلبید. وکیل گفت: این مساله ارزش بحث و داوری ندارد. امان الله گفت: چطور ندارد؟ من سلطنت را از دست دادم و حالا قرار است سی لیره را هم از دست بدهم؟ به منبع زیر مراجعه کنید:

**The Altona Mirror – March. 31 1930, Copyright, 1930, by New York Sun**

امان الله یک ماه بعد، قطعات مهمی از کلکسیون جواهرات شاهی را در یک مرکز نمایش جواهرات به مزایده گذاشت. سارقان حرفه ای آن را دزدیدند؛ اما پلیس رباینده گان را بازداشت کرد. جواهرات شامل یک جوهره گوشواره مربوط خواهر امان الله، نگین تکی الماس، گردن بند الماس، دو سیت سنجاق سینه یاقوت و یک انگشتر زمرد سبز بود. به منبع زیر مراجعه کنید:

**Oakland Tribune, 26 April 1930**

نشریه امریکایی، گزارشگر: اگوستین بیوموند

درجنب مشغله کار و تجارت، تلاش و تکاپوی شاه به منظور استرداد سلطنت از دست رفته و رفت و آمد به درگاه موسولینی و وزارت خارجه نیز شتاب گرفته بود. این فعالیت ها ظاهراً از نظر شهبانو ثریا عبث و بی فایده بود. جنجال و اختلاف از حریم خانه به بیرون سرریز کرد. به زودی درنشریات روم مسأله طلاق شهبانو مطرح گردید. ظاهراً طلاق اتفاق نیفتاد اما مساعی شاه برای جلب کمک قدرت های اروپایی برای بازگشت به کابل کاهش ناپذیر بود. به منبع زیر مراجعه کنید:

**Pittsburgh Post-Gazette, Wed, March 5, 1930**

مطابق اجندا، در و آخر سال 1930 امان الله درهیات یک فرد ناشناس وارد رومانیا شد و در یک هتل درجه دوم اقامت گرفت تا کسی از حضورش مطلع نشود. دیری نگذشت که حضور ایشان دربرلین افشا گردید. گزارش شده بود که جرمی آماده راه اندازی یک کودتا در افغانستان تا امان الله دو باره به صحنه قدرت باز گرداند. هنوز هیتلر به قدرت نیامده بود اما شماری زیادی از امانیست ها در آلمان درحالت احضارات برای مارش به سوی کابل قرار داشتند. به منبع زیر مراجعه کنید:

**The Brooklyn Daily Eagle, Thu, Sep 11, 1930**

شاه، در مشورت با حواریون و مشاوران خارجی، به سرعت به احیای اعتبار مذهبی خویش اقدام کرد و برای اجرای کارهای سیاسی به اسم مستعار عابد امین مارو به عربستان سفر کرد. به منبع زیر مراجعه کنید:

**Wilkes Barre Times leader, The Evening News, Mon, Apr 6, 1931**

مقامات ایتالیا فکر می کردند که او با رفتن به زیارت ملکه، می خواست شایعاتی را در انظار عامه باطل کند که گفته می شد وی آئین اسلام را ترک گفته است. به منبع زیر مراجعه کنید:

**Laureando, Roberta Bin, Relatore, Prof. Antonio Trampus, Matricola 987026,**

**Correlatore: Prof. Duccio Basosi, Anno Accademico, 2013 / 2014, Page: 98**

اما چرا مشارالیه به گذرنامه جعلی به آن جا رفته بود؟  
نگاره ای از امان الله در لباس عربی با ریش انبوه در ایام زیارت مقدس در مکه در مطبوعات غربی انتشار یافت. گفته می شد که او با ریش تراشیده آمده بود اما در عربستان با گذاشتن ریش و پروت خودش را با مراسم زیارت سازگار کند.

به منبع زیر مراجعه کنید:

**Courier News Cameramen, 1931**

روزنامه پیتزبورگ سان تیلگراف نوشت: امان الله هدف انجام زیارت مکه از روم به طرف جدّه روانه شده است. هدف اصلی وی مشخص نیست. فکر می شود که وی به خاطر برخی آوازه ها در میان مسلمین که گویا وی به آنین رومان کاتولیک گرویده، به تشویب است و قصد دارد خودش را در افکار عامه تیرنه کند.

به منبع زیر مراجعه کنید:

**Pittsburgh Sun Telegraph, Thu, Apr 23, 1931**

علی رغم رفت و آمد های محتاطانه شاه به اماکن خاص، یک شب اتفاق بدی برایش افتاد. وقتی ناوقت شب به خانه اش برگشته بود، تلاش کرد از راه کلکین وارد خانه شود؛ اما به اثر تماس فوری یک همسایه، پلیس او را به ظن این عمل مشکوک گرفتار کرد.

به منبع زیر مراجعه کنید:

**The Herald Press, Saturday, August 29, 1931**

در گزارش دیگری آمده بود که امان الله خان به علت شکستن دروازه خانه اش در نزدیکی مونتریکس و تخطی از قانون دستگیر شد. او هر شب در بیرون خانه آواره بود و شب ها خیلی نا وقت از راه کلکین وارد منزل می شد تا کسی او را نبیند.

به منبع زیر مراجعه کنید:

**The Daily Free Press, Monday, August 24, 1931**

شاه امان الله به کلب شبانه ( نایت کلب) رفته بود و هنگام برگشت از بیم دعوای شهبانو، نخواسته بود او را از خواب بیدار کند.

به منبع زیر مراجعه کنید:

**St, Louis Post, Dispatch, Saturday, August 22, 1931**

بازی موسولینی و هیتلر با کارت شاه امان الله  
امان الله در حال، انگلیس، هیتلر، موسولینی، مصطفی کمال و استالین  
شاه امان الله پناهنده در ایتالیا، دیگر آن شهریار ممتاز و میهن پرست و دارای خطوط سرخ نبود. به مقتضای روزگار، تب بازپس گیری سلطنت چنان بر تن و روحش ساری و جاری بود که حال و هوایش بس دگرگونه بود؛ پوستین سابقه از تن برکنده و مطالبه استرداد تخت شاهی به هر قیمت ممکن، خواب و خوراک از وی ربوده بود.

کشور میزبان - ایتالیا - هم روی وی حساب باز کرده بود. میزبانی از امان الله برای ایتالیا سودمند بود.  
به منبع زیر مراجعه کنید:

**Laureando, Roberta Bin, Relatore, Prof. Antonio Trampus, Matricola 987026,  
Correlatore: Prof. Duccio Basosi, Anno Accademico, 2013 / 2014, Page: 107**

ادولف الیساندروینی یک مقام فاشیست اعلام کرد که حفظ امان الله در کنار حکومت ایتالیا در واقع یک قطعه توس در آستین روم برضد کشورهای متفق به شمار می رود.

به منبع زیر مراجعه کنید:

**Laureando, Roberta Bin, Relatore, Prof. Antonio Trampus, Matricola 987026,  
Correlatore: Prof. Duccio Basosi, Anno Accademico, 2013 / 2014, Page: 129**

با وصف آن که امان الله در ضدیت با انگلیس شهره بود، مقامات امپراتوری « امکان انعقاد یک پیمان با امان الله را که شرایط بازگشت او را به سلطنت کابل فراهم می آورد»، تحت بررسی داشتند. 102  
گویا امان الله، برخوردار از یک قدرت تله پاتی، خود درین زمینه پیشقدم شد و از مقامات روم خواست که در زمینه انعقاد یک پیمان با بریتانیای کبیر به او یاری برسانند تا راه برای بازگرداندن تخت و تاج برای وی فراهم گردد. به منبع زیر مراجعه کنید:

**Laureando, Roberta Bin, Relatore, Prof. Antonio Trampus, Matricola 987026,**

**Correlatore: Prof. Duccio Basosi, Anno Accademico, 2013 / 2014, Page: 101**

ایشان عین مطالبه به شمول گرفتن کمک نظامی را به مصطفی کمال پیشنهاد کرده بود. 269-  
او به اتاترک اطمینان داد که « شوروی ها پشتیبانی کامل خود را از او در سرنگونی نادریه وعده نموده اند». به منبع زیر مراجعه کنید:

نبرد افغانی استالین (سیاست قدرت های بزرگ در افغانستان و قبایل پشتون)، گزارنده: عزیز آریانفر، نشر برقی، برگ 270

صدیق خان چرخي به نماینده گی از امان الله به کنسول شوروی در استانبول گفت: امان الله خان خواهش نموده است زمینه بازگشت او را به میهن ( از راه شوروی) فراهم نمایند و درین رابطه می خواهد شخصاً با قنصل شوروی دیدار نماید.»

همان منبع را ملاحظه نمایند: برگ 270

امان الله یک بار دیگر رسماً از حکومت استالین خواست که او را در بازپس گیری تخت و تاج کابل یاری دهد. شوروی پاسخ مثبت داد. امانیست ها به شور و اشتیاق افتادند و حتی آماده برگزاری «کنگره» در مسکو بودند. به منبع زیر مراجعه کنید:

نبرد افغانی استالین (سیاست قدرت های بزرگ در افغانستان و قبایل پشتون)، گزارنده: عزیز آریانفر، نشر برقی، برگ 274

چون امان الله مانند دوره حکمروایی اش در کابل، به بی نظمی مدیریتی مبتلا بود، اطلاعات شوروی شکاف اشتباهات عملیاتی او را تثبیت کرد و آشکار شد که شاه با ادولف هیتلر رهبر فاشیست های آلمان همدست است. افزون بر آن، گزارش استخباراتی مشعر بود که همزمان با تجاوز اردوی فاشیستی ایتالیا به ایتوپیا، امان الله خان به ایتوپیا سفر کرد و اجنت های دولت موسولینی نامه ای را که از نام امان الله خطاب به مسلمانان ایتوپیا تنظیم شده بود؛ بین آن ها توزیع کردند. امان الله در نامه اش مسلمانان ایتوپیا را به « قیام در برابر دست نشانده گان انگلیس و نصارا» فراخوانده بود.

به منبع زیر مراجعه کنید:

نبرد افغانی استالین (سیاست قدرت های بزرگ در افغانستان و قبایل پشتون)، گزارنده: عزیز آریانفر، نشر برقی، برگ 277

امان الله در آستانه وقوع جنگ جهانی دوم، در زمره مهمانان معزز موسولینی برای پذیرایی از هیتلر و دیگر رهبران نازی در شهر روم ایستاده بود.

به منبع زیر مراجعه کنید:

**The St. Cloud Daily Times, Friday, May 6, 1938**

برنامه عملیاتی در آسیا موسوم به «پلان امان الله» روی میز هیتلر قرار داشت که فراهم آوری حمایت نظامی و مالی برای امان الله تا رسیدن دو باره به سلطنت کابل را تضمین می کرد. به منبع زیر مراجعه کنید:

**Laureando, Roberta Bin, Relatore, Prof. Antonio Trampus, Matricola 987026,**

**Correlatore: Prof. Duccio Basosi, Anno Accademico, 2013 / 2014, Page: 121**

این تعاملات پیش چشم رسانه ها در جریان بود. رسانه های جرمنی و اروپایی با صراحت اطلاع دادند که جرمنی به منظور روی صحنه آوردن شاه امان الله که هم اکنون در برلین به سر می برد؛ قصد راه اندازی یک کودتا در افغانستان دارد.

به منبع زیر مراجعه کنید:

**The Kane Republican, Mon, Apr, 21, 1941**

امان الله درین آوان درجاده های مدرن روم ساعت ها راننده گی می کرد و لذت می برد و با شوروهیجان از نظام فاشیستی ستایش می کرد.  
به منبع زیر مراجعه کنید:

**The Calgary Herald, Friday, May 12, 1939**

در محافل رسمی لندن نیز از حرکت امان الله به سوی برلین گزارش هایی انتشار یافت. خود در ایتالیا روانه برلین شده است. معنای سفر وی به جرمنی آن بود که رژیم فاشیست آلمان در شبکه توطئه گرانه هیتلر در شرق او را در نظر گرفته بود.

به منبع زیر مراجعه کنید:

**The Age, Sat, May 3, 1941**

در ماه جون 1941 امان الله بنا به صوابدید موسولینی و هیتلر از روم به تهران اعزام شد که خیزش مسلمان ها به رهبری رشید علی الگیلانی از تجربیات ضد انگلیسی خویش بهره مند بسازد.  
به منبع زیر مراجعه کنید:

**The Ottawa Journal, Wed, Jun, 4, 1941**

خبری که امان الله خان را شوک داد. هیتلر ناگهان پرونده عملیاتی موسوم به «منشورامان الله» را کنار گذاشت. علت این امر، «بی میلی اتحاد شوروی در راه اندازی عملیات برضد افغانستان بود». 121  
به منبع زیر مراجعه کنید:

**Laureando, Roberta Bin, Relatore, Prof. Antonio Trampus, Matricola 987026,  
Correlatore: Prof. Duccio Basosi, Anno Accademico, 2013 / 2014, Page: 121**

اما قضیه پیچیده تر بود. کشورهای «محور» به گزینه بهتر از امان الله دست یافته بودند که راه را کوتاه تر می کرد. در دسامبر 1941 حین مذاکرات بین مقامات ایتالیا و جرمنی روی اوضاع آسیای مرکزی، صباحا بوس چندرای هندی، دکتر اقبال شیدایی و غلام صدیق خان در آن اشتراک داشتند. ادولف الیساندروینی رئیس دفترامورات هند در جلسه حضور داشت. وی با افکار انقلابی که از سوی غلام صدیق خان مطرح شد، به مخالفت برخاست و به او توصیه کرد منتظر انکشاف اوضاع درکابل باشد و کارت امان الله را همیشه حفظ می کند. کارت بازی با امان الله هنوز مهر باطل نخورده بود و بازگرداندن وی به کابل با منافع ایتالیا و جرمنی سازگاری داشت.  
به منبع زیر مراجعه کنید:

**Laureando, Roberta Bin, Relatore, Prof. Antonio Trampus, Matricola 987026,  
Correlatore: Prof. Duccio Basosi, Anno Accademico, 2013 / 2014, Page: 130**

آخرین التماس غم انگیز از موسولینی  
سنگ بی وفایی موسولینی و هیتلر شیشه انتظارات امان الله را درهم شکست. امان الله از وضعیت خودش خشمگین بود و در جولای سال 1942 به عنوان راه چاره نامه بی به موسولینی نگاشت و از بی تفاوتی های وی نسبت به خودش در طی سال های «مشارکت با همدیگر» شکوه سر داد. همزمان، وی موسولینی را به عدم پایبندی به وعده هایش در صحبت های قبلی متهم کرد و یاد آور شد که او اکنون توجه خود را به سوبها چندرابوس و دکتر اقبال شیدایی معطوف کرده است. امان الله از موسولینی تقاضا کرد که برای آخرین اجازه دهد تا عملیات بازگرداندن وی به سلطنت کابل انجام بگیرد.  
به منبع زیر مراجعه کنید:

**Laureando, Roberta Bin, Relatore, Prof. Antonio Trampus, Matricola 987026,  
Correlatore: Prof. Duccio Basosi, Anno Accademico, 2013 / 2014, Page: 131**

امان الله ازین که هیتلر و موسولینی به میل خود شان از وی استفاده ایزاری می کردند، متاسف بود. وی از کمک های اندک حکومت ایتالیا در طی سالیان دراز تبعید به شدت ناراضی و متنفر بود.  
با این حکومت ایتالیا از امان الله به طور کامل روی نگرداند. به شاه رنجور اعلام کردند که سر از ماه آینده تادیه کمک مالی برای وی از 15 هزار لیره به 25 هزار لیره افزایش یابد.  
علاوتاً وزارت امور خارجه همه ساله بابت جبران مالیاتی که از املاک امان الله در ایتالیا گرفته می شد، مبلغ شصت هزار لیره دو باره به او بر می گرداند.  
به منبع زیر مراجعه کنید:

همه امید های امان الله برای استرداد سلطنت به یأس انجامید. او ابتداء پیشنهاد انعقاد یک پیمان دوجانبه به امپراتوری انگلیس داد؛ سپس مرحله به مرحله به نیروی هیتلر، مصطفی کمال، موسولینی و استالین توکل کرد و انتظارش برای بازگشت به تخت و تاج کابل قریب بیست سال به درازا کشید و عاقبتی تلخ داشت. ورشکسته اقتصادی امان الله را بیش از گذشته خسته ساخته بود. درآستانه و بعد از جنگ جهانی دوم، نظام اقتصادی و تجاری ایتالیا خرد و متلاشی گردید و سرمایه گزاری های امان الله خان نیز در همین دوران خاک و دود شده بود. اما میزان مصارف شاهانه با سطح درآمد وی همسان نبود و این مسأله او را از نظر روانی در چنبره اش می فشرد. شبح پریشانی و دلتنگی از سرنوشت، هم امان الله و هم شهبانو را بهانه گیر و افسرده ساخته بود. شاه می خواست ویلای شخصی شان در روم را به فروش برساند. شهبانو به مخالفت برخاست و کار به دادگاه کشید. به منبع زیر مراجعه کنید:

#### Copyright New York Times 1955

شاه امان الله ۶۳ ساله بنا به شکایت همسر دومش- ثریا- به محکمه احضار شده بود. ملکه ثریا ۵۸ ساله از محکمه درخواست کرده بود که تا از فروش یک قسمت از ویلای شان در شهر روم به وسیله امان الله جلوگیری کند که به گفته ثریا همسرش نیمی از خانه را به طور شفاهی به وی اهدا کرده بود. شاه امان الله از سال نخست ورود به شهر روم، به شاه جواهر فروش شهرت یافته بود. تقریباً تمام دلایان زیورات قیمتی او را از نزدیک می شناختند و ازین که وی مجموعه ای از جواهرات ناب خزانه شاهی کابل را نزد خود داشت؛ همواره کنجکاو و علاقه مند آشنایی با شاه بودند. مجموعه قطعات گران بهای زیورات و جواهرات سلطنتی که وی هر از چند گاه یک یا چند پاره ای از آن را به فروش می رسانید، کم کم رو به کاهش گذاشته بود. یک قطعه زمرد بسیار گران بها و جذاب موسوم به «چشم اسب محمد» بود که در فبروری سال 1955 یعنی پنج سال قبل از مرگ وی ماجرا آفرید. به منبع زیر مراجعه کنید:

#### The Cincinnati Enquirer, Sat, Dec 31 1955

گلوریا وندربیلت ستوکویسکی یک قطعه زمرد مشهور به «چشم اسب محمد» 25 هزار دالری از مجموعه جواهرات سلطنتی افغانستان را که امروز در دادگاه میلان افشا گردید؛ صاحب شد. این جواهرات به دلایل یک رشته ملاحظات قانونی و تخنیکی هم اکنون در ایتالیا نگهداری می شود اما به زودی به گلوریا وندربیلت در نیویورک فرستاده خواهد شد.

این که گلوریا چه گونه به این جواهرات پول پرداخته و چطور مالک آن شده است روشن نشده است. برای تصاحب این قطعه زمرد دو تن از جواهر فروشان با هم جنجال داشتند که حکومت ایتالیا درین زمینه مداخله کرد. این سنگ قیمتی در اصل یکی از دو نمونه های زینتی بر پیکره یک اسب سواری وابسته به محمد پیامبر در یک میدان شهر کابل پایتخت افغانستان است. سنگ دیگر «چشم» یا قطعه زمردی است که به ملکیت شخصی کسی در انگلیس مربوط است. شاه امان الله زمانی که از کشورش تبعید اختیار کرد، سنگ زمرد را به ایتالیا آورد. این قطعه زمرد یکی از گران بها ترین سنگ در مجموعه جواهرات سلطنتی است که او با خود آورده است.

ظرف پانزده سال اخیر امان الله 62 ساله فرمانروای پیشین دریک شاه نشین آسیایی جهت امرار معیشت خانواده بزرگش شامل زن، هشت کودک و 12 تن از محافظان و خدمتکارانش دانه های پر بها در جواهرات سلطنتی را یکی پی دیگری به فروش رسانیده است. امان الله زمرد چشم نمای دومی را به یکی از معامله گران جواهر در ایتالیا تحویل داد تا آن را بفروشد. جواهر فروش آن را به یک مشتری اهل بلجیم فروخت. اما در چک پول مشکلی به وجود آمد. پلیس ایتالیا در رسید و آن را مصادره کرد.

امروز جواهر فروشان با حضور در دادگاه از حکومت ایتالیا خواستند که زمرد «چشم» را در اختیار آن ها قرار دهد. مگر امکان دارد که زمرد گران بها به گلوریا وندربیلت ستوکویسکی فرستاده شود. امان الله شهادت داد که زمرد مذکور اصل است و قطعاً مطمئن است که این سنگ گران بها از مجموعه «چشم اسب ها» در سلطنت پیشین وی گرفته شده است. مجلس دادگاه دیگر به روز سه شنبه برگزار شد که نتایج آن اعلام خواهد شد. به منبع زیر مراجعه کنید:

#### Daily News, Wed Feb, 1955

میلان، ایتالیا: یک فبروری 1955

یادداشت پایانی از رزاق مأمون: مواردی را که در متن بالا مطالعه فرمودید، در واقع چکیده ده درصدی از کتاب ( اسرار ناگفته اعلیحضرت) است که تا پایان سال روان درکابل انتشار می یابد.